

## ● تحلیل‌ها و گزارش‌ها

# تدوین پروتکل اختیاری شرکت کودکان در منازعات

## مسلحانه؛ گامی به جلو برای حفاظت و

### ارتقاء حقوق کودکان

خواهد شد. از این‌رو، شناسایی صحیح حقوق کودک و تعهد جامعه به تحقق هرچه کامل‌تر آن از جمله قدم‌های اولیه برای ایجاد یک جامعه سالم است.

از جمله موارد نقض حقوق کودک که توجه جامعه بین‌المللی را به خود جلب نموده به کارگیری کودکان حتی خردسالان هفت و هشت ساله در منازعات مسلحانه و نیز اثرات سوء منازعات بر آنها می‌باشد. روند جهانی شدن و گسترش ارتباطات، اخبار مربوط به این واقعت تلخ را با جزئیات و عواقب آن بیش از پیش به مردم سراسر دنیا عرضه می‌دارد و در نتیجه احساسات و عواطف جامعه بشری را به گونه‌ای روزافزون برای مقابله نهیب می‌نماید.

نیاز کودکان<sup>(۱)</sup> در سراسر جهان به زندگی در فضای آموزشی، بهداشتی و فرهنگی مناسب، دسترسی به امکانات کافی، رشد مطلوب جسمی و روانی، و نیز لزوم تلاش کلیه افراد برای فراهم آوردن چنین شرایطی از بدیهیات می‌باشد. همچنین بر همگان روشن است که بذل عنایت کافی به وضعیت کودکان و هرگونه اقدامی در جهت بهبود آن، نوعی سرمایه‌گذاری برای آینده تلقی شده، تضمین‌کننده آینده‌ای سعادت‌مند برای جامعه است. برعکس، شرایط نامساعد زندگی، هرگونه سوء استفاده از کودک و محرومیت وی از امکانات مورد نیاز، افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و ناتوانی‌های جسمی افراد بیشتری را باعث

آخرین دههٔ قرن بیستم بیش از یک میلیون کودک یتیم شده و یا از خانواده‌های خود جدا شده‌اند.<sup>۱</sup> جنگ‌های فعلی که در حدود ۳۰ کشور عموماً در حال توسعه و فقیر جریان دارد کودکان را به عنوان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه مورد هدف قرار داده است. جنگ‌های داخلی ۴۰ ساله در کلمبیا، ۲۵ ساله در آنگولا و ۲۰ ساله در افغانستان نمونه‌هایی هستند که بر وخامت اوضاع صحنه می‌گذارند. گروه‌های مسلح در شمال اوگاندا، سیرالئون و نواحی مرکزی افریقا فعالیت چشم‌گیری در ربودن کودکان از مدارس و منازل، به کارگیری آنان در پایگاه‌های نظامی و درگیری‌های مسلحانه و استفاده ابزاری برای کشتارها و سوء استفاده‌های جنسی دارند.

این واقعات، جامعه بین‌المللی را بعد از جنگ جهانی دوم و خصوصاً در ۱۵ سال گذشته بر آن داشته تا با برپائی نشست‌های مختلف در سطوح مقامات ارشد و یا کارشناسی، صدور اعلامیه مشترک و قطعنامه، تدوین مقاله‌نامه‌های بین‌المللی جهت جلوگیری از وارد آمدن آسیب‌های ناشی از منازعات مسلحانه به کودکان و یافتن راه‌حل‌هایی به مذاکره و گفت‌وگو نشینند. در این نوشتار تلاش خواهد شد که ضمن اشاره به برخی مصوبات مهم، موضوع شرکت کودکان در

جالب توجه آن که، آسیب‌رسانی به کودکان چه با به کارگیری آنها در منازعات و یا کشاندن جنگ‌ها به محیط زندگی آنان غالباً به منظور پیشبرد اهداف شخصی، قومی و یا گروهی صورت می‌گیرد و آمارها و اخبار مربوطه دلیلی بر این ادعا است.

طبق گزارش صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)<sup>(۲)</sup> بیش از دو میلیون کودک در طول دههٔ گذشته تحت تأثیر مستقیم جنگ، مرده و یا کشته شده‌اند. در سال گذشته میلادی حدود ۳۱ میلیون آواره و پناهنده غالباً زن و کودک از جنگ رنج برده‌اند. در حال حاضر حدود ۳۰۰۰۰۰ کودک اعم از دختر و پسر در نیروهای مسلح به عنوان سرباز و خدمه فعالیت دارند که برخی مورد سوء استفاده جنسی نیز قرار می‌گیرند. هر سال حدود ۶۰۰۰ کودک در اثر انفجار مین‌های زمینی کشته و یا معلول می‌شوند.<sup>۳</sup> طبق گزارش دیگری از سوی یونیسف<sup>(۴)</sup> طی دههٔ گذشته در اثر منازعات مسلحانه شش میلیون کودک به طور شدید زخمی و آواره و ۱۲ میلیون کودک به طور دائمی بی‌خانمان شده‌اند. براساس تخمین‌های زده شده، ۸۰ تا ۹۰ درصد مردمی که بر اثر منازعات مسلحانه مرده و یا زخمی شده‌اند از افراد غیرنظامی و غالباً زنان و کودکان بوده‌اند. در

دولت‌های متعاقد را ترغیب نموده که در صورت به کارگیری افراد ۱۵ تا ۱۸ ساله اولویت استخدامی را به افراد مسن‌تر بدهند.

۲. طبق کنوانسیون حقوق کودک<sup>(۶)</sup> که پس از ده سال مذاکره در سال ۱۹۸۹ تدوین گردید، دولت‌های متعاقد موظف به رعایت مقررات مندرج در قوانین بین‌المللی بشردوستانه مربوط به کودکان در منازعات مسلحانه هستند. آنها بایستی با انجام کلیه اقدامات ممکن از شرکت مستقیم کودکان زیر ۱۵ سال در منازعات مسلحانه و نیز استخدام این افراد در نیروهای مسلح خودداری نمایند. دولت‌های متعاقد همچنین باید به هنگام انتخاب بین کودکان ۱۵ تا ۱۸ ساله برای استخدام در نیروهای مسلح، اولویت را به افراد با سنین بالاتر بدهند. بازپروری و بازگرداندن کودکان آسیب دیده به جامعه از دیگر وظائف دولت‌های طرف کنوانسیون است.

۳. در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی<sup>(۷)</sup> که در ماه ژوئیه سال ۱۹۹۸ در رم تصویب گردید، خاطر نشان شده است که استخدام کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح و یا شرکت دادن فعال آنان در مخاصمات، ممکن است موجب مجازات افراد خاطی به عنوان مجرم جنگی گردد. درج این موضوع برای

منازعات مسلحانه و در آن چارچوب موارد اصلی، موضع‌گیری‌های دولت‌ها، و پیشرفت‌های حاصله در مذاکرات مربوط به تدوین پروتکل اختیاری شرکت کودکان در منازعات مسلحانه<sup>(۴)</sup> مورد بررسی قرار گیرد.

### ابزارهای حقوقی بین‌المللی

شاید بتوان مصوبات زیر را از مهم‌ترین تحرکات جامعه بین‌المللی قبل از تدوین پروتکل اختیاری در جهت حفاظت از کودکان در برابر اثرات سوء منازعات مسلحانه تلقی نمود. صرف‌نظر از زاویه دید هر کدام از آنها به موضوع نحت بررسی، چگونگی شرکت کودکان در منازعات مسلحانه همواره به عنوان یک موضوع جدال برانگیز و مهم برای مذاکره‌کنندگان مطرح بوده و جزئیات مصوبات خصوصاً در مورد حداقل سن برای استخدام و شرکت در منازعات گویای نکات مورد توافق جامعه بین‌المللی در هر برهه زمانی می‌باشند.

۱. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و دو پروتکل الحاقی، حفاظت از کودکان را مورد توجه قرار داده‌اند. پروتکل‌های اول و دوم الحاقی به کنوانسیون ژنو<sup>(۵)</sup> استخدام افراد زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح و شرکت دادن آنان در منازعات مسلحانه را ممنوع کرده و

رسیدگی در اساسنامه یک نهاد جدید قضایی بین‌المللی، فصل جدیدی در مسؤلیت‌های جامعه بین‌المللی در حفاظت از حقوق کودکان می‌گشاید.

۴. شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ در چارچوب تعهدات خود نسبت به برقراری صلح و امنیت بین‌المللی، اثرات جنگ‌ها بر کودکان را با حساسیت بیشتری پی‌گیری نمود. به گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد،<sup>(۸)</sup> از اکتبر ۱۹۹۹ در ۳۷ جلسه مذاکره، ۷ قطعنامه و شش بیانیه رئیس شورا به صورت اشاره و یا به تفصیل به کودکان متأثر از جنگ توجه شده است. در مصوبات گوناگون در نیمه سال ۱۹۹۹ شورا حفاظت از کودکان را به وظائف نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در سیراثون و جمهوری دموکراتیک کنگو اضافه نمود و استقرار "مشاوران ارشد به منظور حفاظت از کودکان" را در عملیات مورد اشاره تصویب نمود. در این دوره زمانی، در دو قطعنامه شماره ۱۲۶۱ و ۱۳۱۴، شورای امنیت به طور اختصاصی و برای اولین بار در تاریخ فعالیت‌های خود، موضوع کودکان متأثر از جنگ را مورد توجه قرار داد که بیانگر رویکرد جدید شورا به این موضوع بود. در این قطعنامه‌ها خلع

سلاح، خروج از مراکز نظامی و بازگشت مجدد کودکان به اجتماع مورد تأکید قرار گرفت. اعضای شورا همچنین خواهان مراقبت از کلیه کودکان خصوصاً کودکان بی‌خانمان، آواره، ربوده شده و نیز دختران شدند. فعال‌تر شدن سازمان‌های منطقه‌ای، تقویت ظرفیت‌های محلی و مشارکت هر چه بیشتر جوانان در برقراری صلح از دیگر مواردی است که در قطعنامه‌های یاد شده به منظور حفاظت از کودکان مورد تأکید واقع شده است.

شایان ذکر است که دبیرکل سازمان ملل متحد در اجرای مصوبه شماره ۵۱/۷۷ مجمع عمومی آقای الارا اتونو تبعه اوگاندا را در سپتامبر ۱۹۷۷ به عنوان نماینده ویژه خود در امور کودکان و منازعه مسلحانه منصوب نمود. طبق قطعنامه مجمع عمومی، وظیفه نماینده ویژه ارزیابی پیشرفت‌های حاصله، مشکلات کودکان متأثر از جنگ‌های مسلحانه، ترغیب همکاری بین‌المللی برای احترام به حقوق کودکان در درگیری‌ها، کمک به هماهنگی تلاش دولت‌ها، نهادهای مربوطه سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی می‌باشد. این انتصاب نقطه عطفی در توجه سازمان ملل متحد به فعالیت‌های مربوط به کاهش اثرات جنگ بر کودکان به حساب می‌آید.

کودکان در جنگ و یا کودکان معلول در حاشیه جلسات سعی در طرح موضوع (به عنوان یک مشکل بزرگ) و تحریک نمایندگان دولت‌ها به اقدامی جدی در این زمینه شدند. هدف اصلی این گروه از دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی ارتقای حداقل سنی ۱۵ سال مندرج در مقاله‌نامه‌های بین‌المللی به ۱۸ برای شرکت افراد در منازعات مسلحانه بود. به عبارت دیگر، این که هیچ دولت متعهد به پروتکل، مجاز به شرکت دادن افراد زیر ۱۸ سال یعنی کودکان در درگیری‌های مسلحانه نباشد.

گروه مخالف در این مذاکرات شامل دولت‌های امریکا، انگلستان، استرالیا، هند و نیز برخی دیگر از دولت‌های جهان سوم بود که به لحاظ قوانین داخلی در برابر خواسته‌های گروه اول مقاومت می‌کردند. به‌رغم آن که یک توافق کلی برای جلوگیری از شرکت کودکان در منازعات وجود داشت، اختلاف جدی بر سر حداقل سنی شرکت در جنگ‌ها و استخدام در نیروهای مسلح همچنان خود را نشان می‌داد و بر روند مذاکرات سایه می‌گسترده است.

پروتکل اختیاری دارای دو قسمت مقدماتی و اجرائی، شامل ۱۳ ماده است. در اینجا نکات اصلی پروتکل به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد:

## پروتکل اختیاری شرکت کودکان در منازعات مسلحانه

پس از یک دوره مذاکرات ۶ ساله بالاخره نمایندگان دولت‌های شرکت کننده در گروه کاری تدوین پروتکل اختیاری شرکت کودکان در منازعات مسلحانه در دی ماه ۱۳۷۸ (ژانویه ۱۹۹۹) بر روی یک متن به توافق رسیدند. مصوبه گروه کاری در اولین نشست کمیسیون حقوق بشر در اردیبهشت ماه ۱۳۷۹ و در اجلاس ۵۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد تأکید قرار گرفته (۹) آماده امضا توسط دولت‌های علاقمند شد.

شایان توجه آن که تعدادی از دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی محرک اصلی برای تدوین پروتکل اختیاری بوده‌اند. این دسته از دولت‌ها شامل سوئد، نروژ، پرتغال، آلمان، بلژیک، سوئیس، اتریش و کشورهای دیگری از امریکای لاتین بودند. سازمان‌های غیردولتی فعال به نام عفو بین‌الملل، دفاع برای کودکان بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر؛ فدراسیون بین‌المللی زمین انسان‌ها، خدمات حقوقی آوارگان، کواکر و رادابارتن در قالب "ائتلاف توقف به کارگیری سربازان خردسال" (۱۰) فعالیت داشتند. آنها با ایراد سخنرانی، برپائی مکرر و نمایشگاه‌های عکس از صحنه‌های حضور

الزام آور به هنگام پیوستن به پروتکل درخصوص حداقل سن در نظر گرفته شده در قانون داخلی برای استخدام داوطلبانه و توضیح پادمان‌های موجود در قوانین داخلی شامل "داوطلبانه بودن"، "رضایت پدر و مادر یا قیم قانونی"، "آگاهی کامل داوطلب از عواقب استخدام" و "ارائه اسناد قابل اتکای حقوقی در مورد سن قبل از استخدام" می‌باشد.

چنانچه واضح است میزان افزایش حداقل سن مشخص نیست و مذاکره کنندگان بر روی میزان آن توافق نداشته‌اند. به عبارت دیگر، مذاکره کنندگان نتوانسته‌اند یک حداقل سنی بالاتر از ۱۵ را مشخص کنند و از این رو صرف توصیه به افزایش حداقل سنی مندرج در کنوانسیون حقوق کودک الزامات جدیدی را برای دولت‌های طرف پروتکل به دنبال نمی‌آورد.

علاوه بر آن، درج بند ۴ ماده ۳ مبنی بر عدم الزام دولت‌ها به افزایش حداقل سن استخدام داوطلبانه برای مدارس نظامی، خود از حوزه کاربرد این ماده کاسته و نگرانی دولت‌های مقاومت کننده در برابر فشار بانیان را تا حدودی بر طرف نموده است. از سوی دیگر، ثبت اعلامیه الزام آور و مقرر نمودن پادمان‌های چهارگانه در قوانین داخلی اقداماتی هستند که

۱. استخدام اجباری در نیروهای مسلح و شرکت در جنگ - مواد اول و دوم پروتکل به ترتیب موضوع "شرکت در جنگ" و "استخدام اجباری در نیروهای مسلح" را مورد خطاب قرار داده است. طبق ماده اول، دولت‌های طرف پروتکل موظفند کلیه اقدامات ممکن را به عمل آورند که افراد زیر ۱۸ سال به طور مستقیم در مخاصمات شرکت نکنند. دو نکته قابل توجه در این ماده آن که عبارت "کلیه اقدامات ممکن" به مفهوم الزام دولت متعهد به رعایت این اصل نیست و تنها از آن می‌خواهد که تلاش خود را در این زمینه به عمل آورد. نکته دوم آن که شرکت در جنگ (موضوع ماده ۱) بایستی به طور مستقیم باشد. طبق ماده دوم، دولت‌های طرف پروتکل ملزمند که از استخدام اجباری افراد زیر ۱۸ سال در نیروهای مسلح خودداری نمایند. ویژگی "اجبار" در استخدام در این ماده شایسته توجه است.

۲. استخدام داوطلبانه - ماده سوم، لزوم افزایش حداقل سن برای "استخدام داوطلبانه" را مورد اشاره قرار می‌دهد. طبق آن، دولت‌های طرف پروتکل حداقل سن برای استخدام داوطلبانه را از حدی که در کنوانسیون حقوق کودک در نظر گرفته شده افزایش می‌دهند. (۱۱) علاوه بر آن، هر دولت ملزم به ثبت یک اعلامیه

بایستی کلیه اقدامات حقوقی، اداری و غیره را در جهت اجرای پروتکل انجام دهند. این اقدامات شامل وضع و یا اصلاح قوانین مربوطه می‌شود که تأثیر تعیین‌کننده‌ای در بسترسازی (در داخل هر کشور) برای اجرای مفاد پروتکل خواهد داشت.

ب) افزایش آگاهی عمومی اعم از بزرگسالان و خردسالان نسبت به مفاد پروتکل از دیگر مواردی است که در بند دوم ماده شش درج شده است و دولت‌ها موظف به تحقق آنند. چنانچه به تجربه ثابت شده اجرای قوانین داخلی و بین‌المللی بدون آگاهی عمومی نسبت به اهداف قانون‌گذاران از وضع قوانین و پی‌آمدهای سوء عدم اجرای آنها میسر نیست.

ج) دولت‌ها بایستی افراد استخدام شده و یا شرکت داده شده در جنگ برخلاف مفاد پروتکل را مرخص نموده کمک‌های مناسب به منظور بازپروری و رفع آسیب‌های جسمی و بازگشت مجدد آنها به جامعه را ارائه دهند.

د) طبق ماده هشت، دولت‌های طرف پروتکل بایستی ظرف دو سال پس از پیوستن گزارش جامع حاوی اقدامات انجام شده درخصوص اجرای مفاد مربوط به شرکت در منازعات و استخدام در نیروهای نظامی ارائه دهند. پس از آن، در چارچوب ماده ۴۴

دولت‌های مستعاهد را برای کاهش تعداد استخدام‌های داوطلبانه افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال تحت فشار دائمی قرار می‌دهد.

۳. به کارگیری و استخدام در گروه‌های مسلح - (۱۲) درج یک ماده در پروتکل که در آن "گروه‌های مسلح" تحت هیچ شرایطی به استخدام و یا به کارگیری افراد زیر ۱۸ سال در مخاصمات مبادرت ورزند، فصلی جدید در قوانین بین‌المللی در برخورد با عناصر مسلح غیردولتی محسوب می‌شود. برطبق بند دوم ماده چهار پروتکل، دولت‌ها جهت جلوگیری از استخدام یا به کارگیری افراد زیر ۱۸ سال در گروه‌های مسلح به کلیه اقدامات ممکن از جمله اقدامات حقوقی به منظور جلوگیری و تعیین مجازات برای خاطیان دست می‌یازند. به منظور رفع نگرانی دولت‌ها از به رسمیت شناخته شدن گروه‌های مسلح غیرقانونی با مورد خطاب قراردادن آنان در این ماده، بند سوم اطمینان می‌دهد که وضعیت حقوقی طرف‌های درگیر با درج این ماده تغییری پیدا نمی‌کند.

۴. وظایف محوله و اقدامات لازم برای اجرای پروتکل - در ابعاد ملی و بین‌المللی، اقدامات مختلفی برای اجرای مفاد پروتکل پیش‌بینی شده که به شرح زیر هستند:

الف) ماده ۶ تصریح دارد که دولت‌ها

کنوانسیون حقوق کودک اطلاعات لازم در زمینه اجرای مفاد پروتکل را به همراه گزارش اجرای مفاد کنوانسیون حقوق کودک به کمیته حقوق کودک ارائه خواهند کرد. بدیهی است که اعضای کمیته پس از مطالعه گزارش کتبی و گزارش تکمیلی حضوری، وضعیت اجرای مفاد پروتکل را در حضور هیأت اعزامی از سوی دولت طرف پروتکل بررسی نموده توصیه‌های لازم را جهت بهبود وضعیت خواهند کرد.

ه) انجام همکاری بین دولت‌ها، ارائه کمک‌های فنی و مالی و ایجاد یک صندوق داوطلبانه برای کمک به دولت‌های نیازمند از دیگر ساز و کارهای پیش‌بینی شده برای تحقق مفاد پروتکل می‌باشد که در ماده ۷ پیش‌بینی شده است. هر چند نمایندگان دولت‌های ثروتمند حاضر به دادن تمهیداتی صریح برای ارائه کمک به اجرای مفاد پروتکل نشدند، با قبول مفاد ماده ۷ به نحوی آمادگی خود را برای کمک به پیشبرد این روند اعلام نمودند.

#### ارزیابی

بررسی سخنان و مواضع بانیان پروتکل بیانگر آن است که هدف اصلی آنان از طرح و پی‌گیری پیش‌نویس پروتکل اختیاری، تعیین حداقل سنی ۱۸ برای سه مورد استفاده

اجباری، استخدام داوطلبانه و شرکت در منازعات مسلحانه بوده است. با پذیرش این واقعیت، بدیهی است که آن دسته از مواد پروتکل که اهداف فوق را مورد اشاره قرار داده‌اند از اهمیت بیشتری برای هر دو گروه بانیان و طرف‌های مذاکره آنان برخوردار بوده است. از این رو، موضوعات یاد شده در ارزیابی نتایج حاصله از مذاکرات از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.

چنانچه قبلاً اشاره شد، ماده ۲ پروتکل درخصوص منع استخدام اجباری افراد زیر ۱۸ سال در نیروهای مسلح به طور قطعی، و ماده ۱ درخصوص اقدام برای جلوگیری از شرکت مستقیم چنین افرادی در منازعات مسلحانه به طور نسبی از موفقیت‌های بانیان پروتکل محسوب می‌گردد. چراکه در کنوانسیون حقوق کودک حداقل سن برای استخدام (اعم از داوطلبانه یا اجباری) و نیز شرکت مستقیم در منازعات مسلحانه ۱۵ تعیین شده بود، بدین ترتیب بانیان پروتکل توانستند با مصوبه جدید سطح استانداردها در مقابله‌نامه‌های حقوق بشری را برای استخدام اجباری و شرکت مستقیم کودکان در منازعات مسلحانه ارتقاء بخشند اما این گروه طی مذاکرات در تعیین حداقل سنی بالاتر از ۱۵ برای استخدام



دسته‌بندی‌های دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی از دیگر نکات جالب توجه در طول مذاکرات به شمار می‌آیند.

سازمان‌های غیردولتی از محرکان اصلی تشکیل گروه کاری، مشوق دولت‌های بانی پروتکل و ادامه مذاکرات تا رسیدن به نتیجه محسوب می‌گردند. این‌گونه سازمان‌ها با کمک اساسی خود به تهیه پیش‌نویس، تحریک دولت‌های موافق به انجام اقدام، سخنرانی به منظور هدایت مذاکرات و تحقق اهداف اولیه، و در این راستا، ایجاد جو روانی مناسب با برپائی نمایشگاه، سمینارهای منطقه‌ای نقش مؤثری ایفا نمودند. هر چند گذشت زمان، پیشرفت جنگ افزارها و کاهش اهمیت تعداد نیروی انسانی خصوصاً افراد بی‌تجربه و کم سن و سال در منازعات، و متقاعد شدن عموم دولت‌مردان در طول دوران پس از جنگ جهانی دوم به ضرورت مهیانبودن شرایط مناسب جهت رشد جسمی و روانی کودکان جو مساعدتری را برای مذاکره پیرامون مفاد پروتکل اختیاری فراهم آورده بود، قوانین داخلی و ملاحظات خاص امنیتی برخی دولت‌ها سبب شد که انعطاف کمتری در شرایط استخدام داوطلبانه و به کارگیری افراد زیر ۱۸ سال در جنگ از خود نشان دهند. از اینرو، صحنه مذاکرات، میدان

داوطلبانه موفق نبود و به قول عبارات الزام کلی دولت‌ها به بالا بردن حداقل سنی، صدور اعلامیه الزام‌آور و توضیح پادمان‌های مربوط به استخدام داوطلبانه تن درداد. این‌گونه اقدامات تنها اثراتی که دارند آن است که دولت‌های طرف پروتکل از سوی اعضای کمیته حقوق کودک و یا برخی دولت‌های بانی پروتکل برای بالا بردن حداقل سنی استخدام داوطلبانه تحت فشار دائمی قرار گیرند و شاید این امر آنها را به انجام برخی تغییرات در قوانین داخلی ترغیب نماید.

عدم کاربرد اصلی بالا بردن حداقل سنی در مورد استخدام داوطلبانه برای مدارس نظامی بر طبق پروتکل از دیگر مواردی است که برای بانیان خوش‌آیند نبوده است. چرا که استخدام افراد زیر ۱۸ سال در مدارس نظامی معمولاً محدود به تحصیلات و آموزش نظامی نشده و در صورت بروز جنگ منعی برای شرکت دانش‌آموزان این مدارس وجود ندارد. برخی نشریات توزیع شده و اطلاعیه‌های سازمان‌های غیردولتی در حاشیه مذاکرات، کشته شدن سربازان ۱۶ و ۱۷ ساله انگلیسی و امریکایی در جنگ خلیج فارس را نمونه‌هایی از به‌کارگیری دانش‌آموزان مدارس نظامی در صحنه‌های جنگ برمی‌شمردند.

گروه‌های محرک، جنبه‌گیری‌ها و

از دایره‌ی موضوعات مورد بحث بیرون بودند. به‌کارگیری معمولاً توأم با تهدید و تطمیع تعداد زیادی از کودکان در منازعات مسلحانه توسط گروه‌های مسلح در سراسر جهان، موارد قابل توجه سوء استفاده جنسی از آنان خصوصاً دختران در پایگاه‌های نظامی و نشر گسترده اخبار مربوطه توسط نظام اطلاع‌رسانی، جامعه بین‌المللی را بر آن داشت که قدم‌هایی در جهت مقابله با آنها بردارد.

از اشکالاتی که می‌توان به جرأت در مورد بنیان به‌رغم ابعاد مثبت اقدام‌شان گرفت بی‌علاقگی آنان به ایجاد یک سازوکار حمایتی قوی در جهت هر چه بهتر اجرا شدن مفاد پروتکل است. چنانچه در متن پروتکل مشهود است، آنان از انجام تعهد جدی برای ترغیب دولت‌ها به همکاری در سطح بین‌المللی و در آن چارچوب ارائه کمک‌های فنی و مالی لازم خودداری کرده‌اند. به عبارت دیگر، تحرکات فراوان و جدی بنیان پروتکل در آغاز و در طول مذاکرات، تناسبی با مسؤولیت‌های پذیرفته شده بین‌المللی آنان برای اجرای هرچه بهتر و کامل‌تر مفاد پروتکل ندارد. قدر مسلم این که دولت‌ها قبل از پیوستن به پروتکل در ارزیابی خود در مورد پی‌آمدهای تعهدات جدید، امکانات و هزینه‌ها را محاسبه می‌نمایند. با وجود اراده

رویارویی دو گروه از دولت‌ها شد که یک دسته از آنها از حمایت سازمان‌های مشهور و فعال غیردولتی برخوردار بودند. جالب توجه آن که برخلاف بسیاری از مذاکرات گروه‌های کاری تدوین مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی، در یک طرف دولت‌های توسعه یافته مدعی حمایت از حقوق بشر و در طرف دیگر دولت‌های جهان سوم قرار نداشتند. بلکه دو گروه از میان دولت‌های غربی نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت مذاکرات داشته نمایندگان دولت‌های جهان سوم در دو گروه تقسیم شده بودند. هنر ریاست سوئدی گروه کاری<sup>(۱۳)</sup> آن بود که تا آنجا که انجام توافقات میسر بود مذاکرات را به پیش برد و با درک زمان رسیدن به پایان راه مشترک، آن را به صورت متن نهائی پروتکل اختیاری ارائه داد؛ هرچند برای بنیان اصلی پروتکل این امر خوش‌آیند نبود.

توجه مفاد پروتکل به گروه‌های مسلح غیردولتی در بخش‌های مقدماتی و اجرائی از دیگر نکات قابل تأمل است. در این رابطه مسؤولیت دولت‌هایی که نقض پروتکل در حوزه حاکمیت آنان اتفاق می‌افتد احراز شده و آنها هستند که بایستی در این خصوص پاسخگو باشند. در مذاکرات مربوط به حقوق بشر همواره گروه‌های مسلح به دلایل مختلف از جمله پی‌آمدهای حقوقی و سیاسی هرگونه تصمیمی

آن میزان سوء استفاده از افراد خردسال را در سطح بین‌المللی کاهش داده وضعیت محیط زیست انسانی را برای رشد و پرورش کودکان بهبود بخشند.

البته نباید غفلت کرد که شرایط سخت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فقر فرهنگی و نیز ناامنی در هر جامعه‌ای بستر مناسبی جهت کارگیری کودکان به عنوان آسیب پذیرترین قشر جامعه می‌باشد.

از این‌رو در هر تلاشی برای جلوگیری از به‌کارگیری کودکان در منازعات و یا بازپروری کودکان آسیب دیده بایستی این واقعیت انکارناپذیر را مورد توجه کافی قرارداد. در صورت بهبود شرایط زندگی، قطعاً امکان پیوستن دولت‌های بیشتری به پروتکل اختیاری و اجرای مفاد آن به شکلی وسیع‌تر و دقیق‌تر فراهم خواهد آمد.

جواد امین منصور

قوی سیاسی برای پیوستن دولت‌ها، اطمینان لازم از دریافت تسهیلات فنی و مالی جهت جلوگیری از نقض مفاد پروتکل، ترخیص افراد مسلح زیر ۱۸ سال، بازپروری و بازگرداندن آنان به آغوش اجتماع امری ضروری به نظر می‌رسد که پروتکل فاقد آن است.

مفاد پروتکل هر چه هست استانداردهائی جدید را در حقوق بین‌الملل به منظور حفاظت و ارتقای بخش عظیمی از انسان‌ها یعنی کودکان تعیین نموده قدمی به جلو مسحوب می‌شود. آمار کودکان شرکت کننده در جنگ و یا آسیب دیده از منازعات مسلحانه بیانگر وجود شرایطی غیرانسانی در بسیاری از نقاط دنیا است و اقدامی عاجل در جهت حفاظت از حقوق کودکان را می‌طلبد. استانداردهای جدید در حقیقت ابزاری قوی‌تر در دست نظام ملل متحد، دولت‌های علاقمند و فعالان حقوق بشری قرار می‌دهد تا با استفاده از

یادداشت‌ها

۱. تعریف کودک در قوانین داخلی کشورها متفاوت است. ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک کلیه افراد زیر ۱۸ سال را کودک تلقی می‌نماید، مگر آن که طبق قانون مربوطه کودک زودتر به بلوغ برسد.
  ۲. "گزارش سال ۲۰۰۰ یونیسف" در مورد وضعیت کودکان در سال ۱۹۹۹؛ صفحه ۱۴.
  ۳. "وضعیت کودکان جهان ۲۰۰۱" منتشره توسط یونیسف؛ صفحه ۳۶.
  ۴. **Optional protocol on the Involvement of Children in Armed Conflicts**  
تا تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۰۰، تعداد ۷۴ دولت پروتکل اختیاری را امضا نمود و سه دولت سریلانکا، بنگلادش و کانادا آن را به تصویب مجالس قانون‌گذاری خود رسانده‌اند. پروتکل سه ماه پس از پیوستن دهمین دولت به مرحله اجراء خواهد آمد، دولت جمهوری اسلامی ایران تا تاریخ نگارش مقاله (۱۵ دی ماه ۱۳۷۹) پروتکل را امضاء ننموده است.
  ۵. ماده ۷۷/۲ پروتکل اول تحت عنوان "حفاظت از قربانیان منازعات مسلحانه بین‌المللی" و ماده ت/۴/۳ پروتکل دوم تحت عنوان "حفاظت از قربانیان منازعات مسلحانه غیربین‌المللی" الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو که در تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۷۸ به مرحله اجرا درآمدند.
  ۶. مواد ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک. این کنوانسیون در ماه سپتامبر ۱۹۹۰ وارد مرحله اجرائی شد و تاکنون ۱۹۱ دولت به آن پیوسته‌اند.
  ۷. سند شماره A/Conf.L83/2/Add.1 سازمان ملل متحد مورخ ۱۴ آوریل ۱۹۹۸ بخش جرائم جنگی (۱) (B)، صفحه ۲۱.
  ۸. سند شماره A/55/442 مورخ ۱۳ اکتبر ۲۰۰۰، گزارش دبیرکل تحت عنوان "حفاظت از کودکان متأثر از درگیری‌های مسلحانه"، صفحات ۵ و ۶.
  ۹. سند سازمان ملل متحد به شماره A/54/263 مورخ ۲۵ مه سال ۲۰۰۰.
10. The Coalition to stop the Use of Child Soldiers.
۱۱. حداقل سنی در نظر گرفته شده در بند سوم ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک ۱۵ سال است.
  ۱۲. بایستی توجه نمود که در پروتکل "نیروهای مسلح Armed Forces" به نیروهای مسلح دولتی و "گروه‌های مسلح Armed Groups" به نیروهای مسلح غیردولتی که به منظور تحقق اهدافی خاص نظیر جدائی طلبی تغییر حکومت، با دولت‌ها مبارزه می‌کنند اطلاق می‌گردند.
  ۱۳. خانم Catherine Von Heidenstan.